

# اسلام‌پژوهش‌های روان‌شناختی

سال هفتم، شماره اول، پیاپی ۱۵، بهار و تابستان ۱۴۰۰ (ص ۷-۲۲)

## بایسته‌های مشاوره با جنس مخالف با رویکرد اسلامی

### Requirements for counseling the opposite sex with an Islamic approach

حسین رادمرد / دانشجوی دکتری قرآن و روان‌شناسی، جامعه المصطفی، قم، ایران.  
فاطمه سعیدی / دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت، قم، ایران.

Hossein Radmard / PhD Student in Quran and Psychology, Al-Mustafa Society, Qom, Iran.

h.r1360@yahoo.com

Fatemeh Saeedi / Master student in family counseling, Institute of Higher Education, Ethics and Education, Qom, Iran..

#### Abstract

The present study aimed to identify the needs of counseling with the opposite sex with an Islamic approach by descriptive-analytical method. Findings show that same-sex counseling is allowed under certain conditions. Examining the Islamic view in this regard, as opposed to the two views of strict and careless, has a "moderate approach" to counseling with the opposite sex. Also, the findings of the study in examining the requirements of counseling with the opposite sex indicate that such things as "piety", "choosing the right place", "adhering to a chaste look", "adhering to the appropriate cover", "avoiding makeup", "Commitment to chaste dialogue", "brevity and self-sufficiency as necessary", "control of empathetic relationships" are among the most important requirements for counseling with the opposite sex. Therefore, the Islamic approach to counseling results in a noticeable difference from the do's and don'ts of healthy counseling for the opposite sex.

**Keyword:** Counseling, opposite sex, requirements, piety, chastity.

#### چکیده

پژوهش حاضر با هدف شناسایی بایسته‌های مشاوره با جنس مخالف با رویکرد اسلامی به روش توصیفی-تحلیلی صورت گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد مشاوره با جنس مخالف با شرایطی مجاز است. بررسی دیدگاه اسلامی در این خصوص در مقابل دو دیدگاه سخت‌گیرانه و سهل‌گیرانه، «رویکردی معتدلانه» به مشاوره با جنس مخالف دارد. همچنین یافته‌های پژوهش در بررسی بایسته‌های مشاوره با جنس مخالف حاکی از آن است که مواردی همچون «تقوادماری»، «انتخاب مکان مناسب»، «التزام به نگاه عفیفانه»، «التزام به پوشش مناسب»، «پرهیز از آرایش»، «التزام به گفتگوی عفیفانه»، «اختصار و اکتفا به حد ضرورت»، «کنترل روابط همدلانه» از جمله مهم‌ترین بایسته مشاوره با جنس مخالف است. بنابراین رویکرد اسلامی در مشاوره تفاوت محسوسی از باید و نبایدهای تحقق سالم مشاوره با جنس مخالف را نتیجه می‌دهد.

**کلید واژه‌ها:** مشاوره، جنس مخالف، بایسته‌ها، تقوادماری، عفاف.

## مقدمه

امروزه، بیش از هر زمان دیگر، مردم با موضوع مشاوره در حوزه‌های مختلف نظری و کاربردی و در عرصه‌های گوناگون زندگی مادی و معنوی با گرایش‌های متنوع و متعدد رفتاری، شناختی، روانی، تربیتی، تحصیلی، خانوادگی، ازدواج و نظایر آن ارتباط دارند. موضوع مشورت یکی از توصیه‌های مؤکد دین اسلام می‌باشد که در آیات قرآن کریم (آل عمران، ۱۵۹ و شوری، ۳۸) و روایات اهل بیت علیهم‌السلام نیز مطرح گردیده است؛ مانند «مَا تَشَاوَرَ قَوْمٌ إِلَّا هُدُوا إِلَىٰ رُشْدِهِمْ؛ هیچ ملتی با هم مشورت نکردند مگر آنکه راه درست خود را پیدا کردند» (حرانی، ص ۲۳۳). «قَدْ خَاطَرَ بِنَفْسِهِ مَنِ اسْتَعْنَىٰ بِرَأْيِهِ؛ هر کس خود را، از رأی و نظر دیگران بی‌نیاز بداند، خودش را به خطر انداخته است» (شیخ صدوق، ج ۴، ص ۳۸۸، ح ۵۸۳۴). «مَا تَشَاوَرَ قَوْمٌ إِلَّا هُدُوا إِلَىٰ رُشْدِهِمْ؛ هیچ قومی با یکدیگر مشورت نکردند؛ مگر آنکه به راه پیشرفت خود رهنمون شدند» (حرانی، ص ۲۳۳).

مشاوره به مفهوم اصطلاحی فرایندی فراتر از مشورت ساده است. مشاوره در واقع یک فرایند است؛ فرایندی از فعالیت‌های شناختی، تشخیصی و رفتاری است. مشاور، در فرایند مشاوره ضمن دعوت از مراجع به همکاری و همراهی، مسئولیت سامان بخشیدن به آن را در مرحله آغازین، میانی و پایانی به عهده می‌گیرد (وکیلان و کرباسی، ۱۳۸۶).

رهنمایی (۱۳۸۸) براین باور است که مشاوره فرایند پویایی است که طی آن مشاور بر اساس اصول ارتباطات انسانی معنادار، با نظارت تمام و مستمر و با تکیه بر مهارت‌ها و تجربه‌های سودمند به برقراری ارتباط با مراجع پرداخته، به وی فرصت می‌دهد که به راحتی و با آرامش خاطر، مسئله یا مشکل یا رفتار نابهنجار خود را مطرح نماید. این فرایند امر مصاحبه یاورانه را سامان بخشیده، زمینه را برای تشخیص و رفع مشکل یا درمان نابهنجاری مراجع فراهم می‌کند.

مشاور نقش اساسی در مشاوره دارد و ارزش‌ها، اخلاق و رفتارش در مشاوره نقش بسزایی دارد. رعایت مسائل اخلاقی در مشاوره آن قدر مهم است که امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «مشورت شایسته نیست؛ مگر با شرایط آن، وگرنه زیانش بر مشورت خواه بیش از سودش باشد» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۲۲). با وجود تأکید فراوان بر مشاوره و اهمیت آن در متون اسلامی، امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «الْمَشُورَةُ لَا تَكُونُ إِلَّا بِحُدُودِهَا فَمَنْ عَرَفَهَا بِحُدُودِهَا، وَالْأَكَاثُ مَضَرَّتُهَا عَلَى الْمُسْتَشِيرِ أَكْثَرَ مِنْ مَنَفَعَتِهَا» (مجلسی، ج ۷۵، ص ۱۰۶) بنابراین در صورت عدم رعایت حدود مشاوره، زیان آن مشاوره را بر مراجع، بیشتر از خیر آن می‌داند.

همچنین در روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام انسان را از مشاوره با سه گروه بخیل، ترسو و حریص برحذر می‌دارد (سیدرضی، نامه ۵۳). این نگاه حاکی از اهمیت شرایط مشاور در مشاوره است. تأثیر ارزش‌های مشاور در فرایند مشاوره، از مسائل مهم اخلاقی در این حوزه به شمار می‌آید. به عقیده کوری و کوری<sup>۱</sup> (۱۳۹۹، ص ۱۲۵) مداخله‌های درمانی متکی بر ارزش‌های اساسی مشاور است. هدف‌ها و روش‌های درمان، جلوه‌هایی از زندگی مشاور است و مشاوران ارزش‌های خود را به وسیله اهداف درمان که نسبت بدان‌ها متعهدند، انتقال می‌دهند. از این روی، ضرورت رعایت مسائل اخلاقی در مشاوره از یک سو و تأثیر ارزش‌های جوامع بر قوانین از سوی دیگر، متخصصان این عرصه را به تدوین نظام‌نامه‌های اخلاقی در حیطه مشاوره و روان‌شناسی، با توجه به ارزش‌های جوامع کشاند.

تاریخچه شکل‌گیری اصول اخلاق حرفه‌ای و کمیته‌های اخلاقی در زمینه مشاوره در غرب، به سال ۱۹۶۱ میلادی برمی‌گردد. انجمن روان‌شناسی آمریکا (APA)<sup>۲</sup> اصول اخلاقی را در سال ۱۹۵۳ ارائه کرد و اصلاحات بعدی در سال‌های ۱۹۵۹، ۱۹۸۱، ۱۹۹۲، ۲۰۰۲ و سرانجام در سال ۲۰۰۵ صورت گرفت. سپس نظام‌نامه اخلاقی انجمن مشاوره آمریکا (ACA)<sup>۳</sup> که شباهت زیادی در موضوع‌های اخلاقی با نظام‌نامه روان‌شناسی این کشور دارد، تدوین شد. پس از آن، این نظام‌نامه‌ها در کشورهایی مثل کانادا، بریتانیا، ایرلند، نیوزلند، ژاپن و ایتالیا مورد توجه قرار گرفت. در ایران نیز «نظام‌نامه اخلاقی انجمن روان‌شناسی و مشاوره جمهوری اسلامی ایران» در سال ۱۳۸۵ توسط کمیسیون تخصصی شورای مرکزی سازمان نظام روان‌شناسی و مشاوره تدوین شد (حسینیان، ۱۳۸۷، ص ۱۲).

علی‌رغم مباحث مشترک زیادی که در نگاه اسلامی و محتوای کتب اخلاق مشاوره با رویکرد روان‌شناسی معاصر وجود دارد، با موضوعاتی مواجه می‌شویم که چندان در روان‌شناسی معاصر به عنوان مسئله‌ای جهت پرداختن بدان اهمیت ندارد. به عبارتی دیگر حتی می‌توان روندی کاملاً مخالف با آن را در رویکرد اسلامی و روان‌شناسی معاصر یافت. از جمله این مسائل، اصول حاکم بر مشاوره با جنس مخالف است. مشاوره با جنس مخالف از جمله مسائل اخلاق مشاور در روان‌شناسی معاصر محسوب نمی‌شود؛ لذا بررسی متون مرتبط با آن، فاقد هرگونه نتیجه روشنی در این خصوص خواهد بود. در مقابل با رویکرد اسلامی

1. Cori & Cori.

2. American Psychology Association.

3. American Counseling Association.

مشاوره با جنس مخالف از جمله مسائل مهم و دارای ضوابط و قوانین خاص خود در حوزه مشاوره است. بر همین اساس پژوهش حاضر با هدف بررسی بایدها و نبایدهای مشاوره با جنس مخالف تنظیم گردیده است. بدین منظور ابتدا به اصل امکان مشاوره با جنس مخالف که در منابع اسلامی ذیل عنوان کلی ارتباط زن و مرد قرار گرفته، پرداخته و سپس بایدها و نبایدهای مشاوره با جنس مخالف مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### روش پژوهش

در این پژوهش به جهت دستیابی به بایسته‌های مشاوره با جنس مخالف از روش پژوهش کیفی از نوع تحلیل محتوایی<sup>۱</sup> استفاده شد. بدین منظور مجموعه آیات و روایات مرتبط با باب ارتباط زن و مرد، مشاوره و همچنین محتوای روان‌شناختی مرتبط با اصول و فنون مشاوره و اخلاق مشاوره مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. سپس با تحلیل محتوای مذکور ابتدا اصل امکان مشاوره با جنس مخالف و پس از آن ضوابط آن استخراج گردید. در بررسی فرضیه امکان مشاوره با جنس مخالف دیدگاه‌های قابل دفاعی وجود دارد که در نهایت یافته‌های پژوهش در این خصوص در سه دیدگاه کلی دسته‌بندی گردید. تحلیل محتوای موجود، در مرحله اول، ضوابط و بایسته‌های متعددی را برای مشاوره با جنس مخالف را گزارش نمود. بررسی مجدد یافته‌های پژوهش در زمینه بایسته‌ها، این امکان را فراهم آورد که در ۸ بایسته مهم، خلاصه و دسته‌بندی گردد.

### یافته‌های پژوهش

از منظر اسلامی که عمدتاً با تحلیل فقهی صورت گرفته است، در مورد ارتباط زن و مرد، می‌توان به سه دیدگاه کلی اشاره نمود.

**الف. دیدگاه ممنوعیت مطلق؛ رویکردی سخت‌گیرانه به موضوع:** مطابق این دیدگاه افراطی، هر نوع ارتباط میان دختر و پسر و زن و مرد جز در صورت اضطرار ممنوع است؛ زیرا رابطه میان این دو، رابطه آتش و پنبه است و می‌تواند مشکلات اخلاقی غیرقابل کنترلی به دنبال داشته باشد. از این رو عقل حکم می‌کند این نوع از ارتباط به کلی ممنوع باشد. دیدگاه مذکور در تأیید صحت مدعای خویش، پاره‌ای از روایات را با تفسیری خاص

نقل می‌کند که از آن جمله است: در روایتی از حضرت زهرا علیها السلام آمده است: «برای زنان بهتر است که هیچ مردی را نبینند و هیچ مردی نیز آنها را نبیند» (حر عاملی، ۱۳۹۷، ج ۱۴، باب ۱۲۹، ح ۳). حضرت علی علیه السلام در سفارشات خویش، به امام حسن مجتبی علیه السلام می‌فرماید: «اگر می‌توانی کاری کن که زن تو با مردان بیگانه معاشرت نداشته باشد. هیچ چیز بهتر از خانه، زن را حفظ نمی‌کند. همان طور که بیرون رفتن آنان از خانه و معاشرت با مردان بیگانه در خارج از خانه برای آنها مضر و خطرناک است، وارد کردن مرد بیگانه نزد آنان در داخل خانه و اجازه معاشرت دادن به او نیز مضر و خطرناک است. اگر بتوانی کاری کن که زنان غیر از تورا نشناسند» (سید رضی، نامه ۳۱). براساس فتوای بسیاری از فقها، اصل ارتباط و گفتگو، معاشرت و مصاحبت، سلام و احوالپرسی میان زن و مرد با رعایت موازین اسلامی ممنوعیتی ندارد. زن و مرد می‌توانند صدای همدیگر را بشنوند و صدای خود را به همدیگر با رعایت موازین شرعی بشنوند (طاهری نیا، ۱۳۸۶). بنابراین زن و مرد می‌توانند در مسائل مختلف دینی، علمی، سیاسی، اجتماعی و... با هم بحث و گفتگو داشته باشند و از نظرات و اطلاعات همدیگر استفاده کنند. زن می‌تواند مدیریت یک مؤسسه علمی-تعلیمی، اقتصادی و... را که مردان نیز در آنجا به کار اشتغال دارند، به عهده گیرد. همه این موارد و موارد مشابه آن، از دیدگاه فقها هیچ‌گونه ممنوعیتی ندارد. آنچه که از دیدگاه فقهی و شرعی مهم است، رعایت پرهیز از نگاه‌های شهوت‌آلود، اختلاط‌ها و مصاحبت‌های نادرست و غیرمفید می‌باشد که موجب ایجاد انحراف و طمع در زن و مرد می‌گردد (احزاب: ۳۹).

این دیدگاه که زن را باید در خانه محبوس کرد و از هرگونه حضور در جامعه و ارتباط با دیگران محروم ساخت، مبنای مقبولی ندارد. شهید مطهری، روایاتی را که بر منع حضور زنان در جامعه دلالت دارد، بر توصیه اخلاقی حمل می‌کند؛ بدین معنا که مردان و زنان از خطرات ارتباط با هم آگاه شوند؛ سپس می‌گوید: «علت اینکه فقها به مضمون چنین جمله‌هایی فتوا نداده‌اند، ادله قطعی دیگر از آیات و روایات و سیره معصومین علیهم السلام برخلاف مفاد ظاهر این تعبیرات است. بنابراین عمده این روایت ارزش اخلاقی دارد» (مطهری، ۱۳۷۹، ج ۱۹، ص ۵۴۸).

**ب. دیدگاه جواز مطلق؛ رویکردی سهل‌گیرانه به موضوع:** بر اساس این دیدگاه تفریظی، ایجاد هر نوع محدودیت و ممنوعیت در ارتباط میان زن و مرد، باعث برانگیختن حساسیت، افزایش التهاب و اشتیاق می‌شود. انسان بر اساس اصل: «الأنسان حریص علی مامنع» وقتی در موردی با منع و محدودیت مواجه می‌شود، نسبت به آن حریص‌تر و

کنجکاوتر می‌شود (حرعاملی، ج ۴، ص ۴۰۵). از این رو، بهتر است که نحوه ارتباط دو جنس مخالف، همان گونه‌ای باشد که دو جنس موافق با هم مرتبطند. از این گذشته، اوضاع حاکم بر جامعه جهانی، اقتضا می‌کند ارتباط و گفتگوی میان همه افراد بشر، فارغ از جنسیت، نژاد، رنگ، دین و مذهب را پذیرفت.

این نظریه، به طور کامل با آیات و روایات فراوان و فتاوی فقها ناسازگاری دارد. آیات و روایات متعددی که در باب لزوم رعایت عفاف، حفظ حریم و ممنوعیت اختلاط دو جنس مخالف، حرمت خلوت زن و مرد نامحرم، تبرج و خودآرایی زنان در خارج از خانه آمده است، گویای این است که از دیدگاه اسلام ساده‌انگاری و تساهل در روابط زن و مرد کاملاً مردود است. اسلام هر چند ارتباط زن و مرد را با رعایت موازین شرعی، مجاز دانسته است؛ اما به اختلاط‌ها و مصاحبت‌های بی‌جهت روی خوش نشان نداده است.

آیا در دنیای غرب که هرگونه اختلاطی مجاز دانسته شد، حرص و آز جنسی کم شده است و روابط نامشروع و بی‌بندوباری‌های اخلاقی رو به کاهش نهاده است؟ فیلم‌ها و عکس‌های مبتذل رونق خود را از دست داده‌اند؟ سقط جنین‌ها و تولد فرزندان نامشروع مهار شده است؟ آیا بر روابط نامشروع دو جنس مخالف، روابط نامشروع همجنس‌بازی افزوده نشده است؟! گزارش‌ها خلاف این را نشان می‌دهند.

شهید بزرگوار مرتضی مطهری در این رابطه می‌گوید: «اشتباه فروید و امثال او در این است که پنداشته‌اند، تنها راه آرام کردن غرایز، ارضا و اشباع آنهاست. اینها چون یک طرف قضیه را خوانده‌اند، توجه نکرده‌اند که همان طور که محدودیت و ممنوعیت، غریزه را سرکوب و تولید عقده می‌کند، رها کردن و تسلیم شدن و در معرض تحریکات و تهییجات در آوردن، آن را دیوانه می‌سازد (مطهری، ۱۳۷۹، ج ۱۹، ص ۴۶-۴۶۱). ایشان معتقد است: برای آرامش غریزه دو راه وجود دارد، یکی ارضای غریزه در حد حاجت طبیعی و دیگری جلوگیری از تهییج و تحریک آن. انسان از لحاظ حوائج طبیعی، مانند چاه نفت است که تراکم و تجمع گازهای داخلی آن، خطر انفجار را به وجود می‌آورد. در این صورت، باید گاز آن را خارج کرد و به آتش داد؛ ولی این آتش را هرگز با طعمه زیاد نمی‌توان سیر کرد (همان).

### ج. دیدگاه میانه؛ رویکردی معتدلانه به موضوع: همان گونه که گذشت، دو دیدگاه

پیشین به یک اندازه مخدوش و مردودند، نه می‌توان ممنوعیت هرگونه ارتباط میان دو جنس مخالف، جز در صورت اضطرار را پذیرفت و نه می‌توان اهمیت و حساسیت رابطه دو جنس مخالف را در حدّ رابطه میان دو جنس موافق فروکاست؛ بلکه اعتدال در روابط

زن و مرد آن است که از هرگونه افراط و تفریط پرهیز شود؛ یعنی نه چنان سخت‌گیرانه و تنگ‌نظرانه برخورد شود که در نگاه عرف و عقلا به هیچ وجه قابل عمل نباشد و نه چنان سهل‌گیرانه نظر داده شود که باعث پیامدهای ناگوار و منفی گردد. معیار و میزان، ارتباط درست و سالم با حفظ همه حریم‌هاست.

قرآن کریم در بسیاری از موارد در روابط زن و مرد با عبارت «عاشروهن بالمعروف»، از کلمه «معروف» استفاده کرده است (نساء، ۱۹). این واژه ۳۸ مرتبه به کار رفته است که ۱۹ بار آن درباره ارتباط با زنان است؛ گویی معیار و میزان، «معروف» بودن روابط است.

علامه طباطبایی در ذیل آیات ۲۲۸-۲۴۲ سوره بقره می‌فرماید: «معروف به معنای هر عملی است که افکار عمومی آن را عملی شناخته شده بداند و با آن مأنوس باشد و با ذائقه‌ای که اهل هر اجتماع از نوع زندگی اجتماعی خود به دست می‌آورد، سازگار باشد این واژه، متضمن هدایت عقلی، حکم شرعی، فضیلت اخلاقی و هم سنت‌های ادبی و انسانی است و چون اسلام شریعت خود را بر اساس فطرت و خلقت بنا کرده است، «معروف» همان چیزی است که مردم آن را معروف بدانند، البته مردمی که از راه فطرت و از مقتضای نظام خلقت منحرف نگردیده باشند» (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۲۴).

بر اساس این تعریف، باید معیار را در روابط زن و مرد روشی دانست که جامعه با در نظر گرفتن راهنمایی عقل و شرع و فطرت می‌پسندد. بنابراین، ممکن است یک رابطه‌ای در یک شرایطی پسندیده و در شرایطی دیگر ناپسند باشد یا برای عده‌ای پسندیده باشد و برای عده‌ای دیگر ناپسند. به عنوان مثال، در عرف متشرعه، اگر ارتباط دو جنس مخالف در زمینه علمی، دینی یا اجتماعی و سیاسی باشد، یا اینکه این ارتباط و گفتگو به جهت تصمیم‌گیری در مسئله ازدواج و آینده زندگی مشترک باشد، امر پسندیده محسوب می‌شود.

با بیانی که گذشت مشاوره با جنس مخالف از جمله مسائلی است که طبق اصل کلی جواز ارتباط و از مصادیق معروف محسوب می‌شود. بر همین اساس اصل مشاوره با جنس مخالف، «ممکن»، «مشروع» و «معروف» خواهد بود. همان طور که گذشت ملاک دیدگاه معتدل در رابطه با جنس مخالف، صدق معروف است. مشاوره با جنس مخالف که از مصادیق بارز این رابطه به حساب می‌آید نیز می‌بایست شرایط و ضوابط صدق معروف را داشته باشد.

از این رو بررسی بایدها و نبایدهای مشاوره با جنس مخالف به جهت برخورداری از ضوابط آن و صدق «معروف» امری ضروری است.

ارتباط مشاور با مراجع در درجه نخست مبتنی بر ارتباطی است که ابتدا از جانب مراجع شروع شده است. مشاور لازم است در پاسخ به درخواست مراجع برای برقراری ارتباط مشاوره‌ای واکنش مناسب و مطلوبی ارائه دهد. تا واکنش مزبور حاصل نگردد ارتباطات مشاوره‌ای عملاً تحقق نخواهد یافت. ارتباطات حرفه‌ای بین مشاور و مراجع کلید واژه مشاوره به شمار می‌رود. این نوع ارتباطات لازم است یاورانه، صمیمانه، قاطعانه، عمیق، پایدار و موجه باشد (رهنمایی، ۱۳۸۸، ص ۲۳). در یک جلسه مشاوره گرچه ممکن است ارتباطی ساده و پیش افتاده شکل پذیرد؛ اما این ارتباطات ساده تا به حد ارتباطی حرفه‌ای نرسد برای مشاوره دادن و مشاوره گرفتن کفایت نمی‌کند (همان). ارتباطات حرفه‌ای نیز مستلزم مجموعه از قوانین و ضوابط خاص خود می‌باشد که فرایند مشاوره موفقیت‌آمیز نماید. بخشی از اصول و شرایط ارتباطات حرفه‌ای مشاوره در مباحث اخلاق روان‌شناسی مورد بررسی قرار گرفته است (گودرزی، ۱۳۷۸، ص ۱۳). این مهم آنگاه که در ارتباط با جنس مخالف مطرح می‌گردد، شکل و قالبی متفاوت به خود می‌گیرد. از منظر اسلامی این ارتباط حرفه‌ای علی‌رغم مصداقی امری معروف است؛ لکن مستلزم اصول و قوانین خاص خود است. از دیدگاه اسلام، ارتباط میان زن و مرد به خودی خود ممنوعیتی ندارد. طبیعی است، در جامعه‌ای که معمولاً نیمی از آن را جنس مرد و نیمی دیگر را جنس زن تشکیل می‌دهد، چاره‌ای جز ارتباط دو جنس مخالف با همدیگر نیست.

برحسب دیدگاه اسلام، زن و مرد باید با نگاه به شخصیت انسانی هم که به‌طور قطع در روابطی سالم خود را نشان می‌دهد، در تعاملات اجتماعی حضور یابند. عایقی مفید و مؤثر به نام هویت انسانی وجود دارد که سبب ایجاد جریانی سالم و آسیب‌ناپذیر در روابط میان زن و مرد می‌شود. بر این مبنا، مرد باید در زیرساخت‌های فکری خویش، تصویر درستی از زن به عنوان یک شخصیت ارجمند، پاک، با کرامت و حرمت داشته باشد و زن نیز باید در روساخت‌های رفتاری‌اش که وجوه ارتباطی او را در پوشش، گفتار و حرکات نمایان می‌سازد، حرمت و کرامت زن بودن خود را نشان دهد. این تنها طریقی است که زن می‌تواند مقام و موقعیت خویش را در برابر مرد حفظ نماید. زن هر اندازه متین‌تر، باوقارتر و عقیف‌تر رفتار کند و خود را در معرض نمایش برای مرد قرار ندهد، بر حرمت و کرامتش افزوده می‌شود.

بررسی گزاره‌های مرتبط با این مسئله در منابع دینی حاکی از بایسته‌هایی است که نشان از نگاهی متفاوت از رویکردهای روان‌شناسی معاصر دارد. از این میان برخی از بایسته‌ها ناظر به مراجع، برخی ناظر به مشاور و برخی ناظر به مکان مشاوره است. بررسی و تحلیل محتوای موجود در این زمینه ۸ بایسته مهم و اساسی را گزارش نمود.



۱. «**تقوآمداری**» و خدامحوری اصلی‌ترین شرط و بایسته‌ای مهم در حوزه مسائل مشاوره اسلامی است. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «استشر العاقل من الرجال الورع فانه لا يامر الا بالخير؛ با مردان عاقل و با تقوا مشورت کن؛ زیرا او جز به خیر دستور نمی‌دهد» (حرع‌عاملی، ج ۲، ص ۲۰۷). «تقوا» از شروط اساسی در مشاوره اسلامی به شمار می‌آید و با توجه به مفاد روایاتی که در ادامه می‌آید، می‌توان گفت مهم‌ترین شرط مشاوره اسلامی است. «تقوا» به معنای حفظ نفس از گناهان و ترک معاصی است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۸۸۱). این امر در فرهنگ دینی جایگاه والایی دارد، مبنا و رکن اساسی اخلاق اسلامی است و بدون آن، اخلاق و ایمان مفهومی ندارد؛ همان‌طور که امیرمؤمنان علیه السلام فرمودند: «تقوا حاکم بر خصلت‌های نیکوست» (آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۲۷۱).

همان‌گونه که گذشت، امام صادق علیه السلام شرط «ورع» را از شروط اصلی مشاور می‌داند و می‌فرمایند: «با مرد خردمند پارسا مشورت کن که او جز به خیر نظر ندهد». این حدیث شریف به شرط «وَرَع»، که مرتبه بالای تقواست، اشاره دارد. در تعلیل این امر، «خیرخواهی» مشاور در صورت داشتن تقوای الهی آمده است. در واقع، شخصی که از مرتبه بالای ترس از خداوند برخوردار است، به جای ارائه مشورتی که با هواهای نفسانی او یا مراجع منطبق باشد، به ارائه راهکاری خواهد پرداخت که مصلحت واقعی مراجع است.

با توجه به آثار «تقوا» و توصیه و تأکید ائمه اطهار علیهم السلام به این شرط در مشاور، به نظر می‌رسد تقوا به مثابه یک نگهبان قوی و یک کنترل‌کننده مطمئن، جلوی سرکشی نفس اماره را می‌گیرد و از خیانت به دیگران برحذر می‌دارد. چنین اشخاصی بر اساس مصالح واقعی و جاودان مراجع مشاوره می‌دهند و به خاطر معیار قراردادن خداوند، می‌کوشند مسائل اخلاق اسلامی مشاوره مانند صداقت، اخلاص، رازداری، مسئولیت، صبر و غیره را رعایت کنند (امامی‌راد، فقیهی، ۱۳۸۹). این بایسته مهم در مشاوره با جنس مخالف اهمیت و ضرورتی دوچندان پیدا می‌کند؛ زیرا تقوای الهی باعث پابندی مشاور به بسیاری از واجبات و محرّمات الهی شده و مانعی مهمی برای جلوگیری از انحراف در مشاوره خواهد گردید.

۲. «**انتخاب فضای مناسب**»: فضا سازی مناسب اولین و مهم‌ترین بخش عملیات فرایندی شکل مشاوره محسوب می‌گردد. تشکیل جلسات مشاوره در فضاهای مناسب و استاندارد به روند مطلوب مشاوره سرعت و جهت بخشیده و مشاور و مراجع را در رسیدن به منظور و اهداف خود یاری می‌رساند. این مهم در امر مشاوره با جنس مخالف اهمیت دوچندان پیدا می‌کند. اسلام نسبت به خلوت کردن زن و مرد نامحرم هشدار داده است.

در تعالیم و آموزه‌های دینی، یکی از مواردی که انسان برای مصونیت و حفظ از گناه، از آن نهی شده است، خلوت کردن با نامحرم است. فضا و موقعیت حضور دو جنس مخالف نیز در جهت سلامت یا فساد رابطه تأثیرگذار است. از این رو، در منابع اسلامی موارد زیر مورد تأکید قرار گرفته است. پرهیز از خلوت کردن با نامحرم فضای حضور نامحرمان نباید به گونه‌ای خلوت باشد که امکان ورود سایر افراد در آن وجود نداشته باشد؛ چراکه خلوت‌گزینی با جنس مخالف، موقعیت را برای تحقق گناه فراهم می‌سازد. در وصیت ابلیس به حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام می‌خوانیم: ای موسی با زن بیگانه خلوت مکن؛ زیرا هرکه چنین کند من خود یار او شوم نه یاران من (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۱۵۷). بنابراین، از آنجا که شیطان در مکان خلوت با نامحرم، همراه انسان است، لازم است از خلوت کردن با زنان نامحرم پرهیز کرد تا گرفتار وسوسه‌های شیطان نشد؛ اما آنچه در فضای مشاوره، مسئله را متفاوت می‌کند انگیزه رابطه با جنس مخالف است. گاهی خلوت کردن با نامحرم انگیزه‌هایی؛ مانند تحصیل، مشاوره و... دارد. در چنین مواردی اصل ارتباط مصداق خلوت مذمومی که در توصیه‌های دینی بدان اشاره شده است، نمی‌باشد؛ لکن در این‌گونه موارد ضروری است با انتخاب مکان‌های عمومی که امکان تردد غیر در آن فراهم است، ضمن ایجاد فضای امن برای مراجع، زمینه‌های سوء استفاده شیطان و ایجاد گناه را کنترل نمود.

۳. «التزام به نگاه عقیفانه»: چهره هر فرد همواره با مخاطب خود سخن می‌گوید. حالات چهره فرد در واقع انعکاسی از اوضاع و احوال درونی آن فرد می‌باشد. در مواردی واکنش‌های افراد نسبت به یکدیگر در حالات چهره خود را نمایان می‌سازد. چهره، شاد و خندان، چهره گرفته و غمگین، چهره آراسته و پیراسته، چهره در هم و آشفته، چه از جانب مشاور و چه از جانب مراجع، حاوی پیام است. حالات چهره و رنگ رخساره معمولاً تفسیر اوضاع و اسرار درونی انسان است. امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرمایند: «مَا أَضْمَرَ أَحَدٌ شَيْئًا إِلَّا ظَهَرَ فِي فَلَتَاتِ لِسَانِهِ، وَصَفَحَاتِ وَجْهِهِ؛ گفتار و لغزش‌های زبانی انسان، تا حدودی بیانگر وضعیت روانی و شخصیتی وی می‌باشد» (سید رضی، حکمت ۲۶). بنابراین نگاه چهره مراجع و تمرکز بر رفتارهای ظاهری وی یکی از پایه‌های مهم کشف اطلاعات در خصوص مراجع است؛ اما سؤال اساسی در این مورد این است که در ارتباط با جنس مخالف چه باید کرد؟ آیا مصلحت حل مشکل مراجع مجوز نگاه‌های متعدد و متمرکز به مراجع جنس مخالف است؟ برای پاسخ به این سؤال باید گفت: نگاه به نامحرم، در صورت ضرورت و حاجت جایز است. بر همین اساس، فقهای اسلام، نگاه پزشک مرد به زن بیمار را جهت مداوا و معالجه، در صورت نبودن

همجنس متخصص و نیز نگاه در موارد نجات زن از غرق، سوختن در آتش، زیر آوار و امثال آن یا نگاه به زن جهت تحمل یا ادای شهادت را در صورت نیاز جایز می‌دانند. (حکیم، ۱۳۹۱ق، ج ۱۴، ص ۳۴-۳۵). براین اساس اصل نگاه قابل پذیرش و توجیه است؛ لکن آنچه اهمیت پیدا می‌کند قصد و انگیزه از نگاه است. مشاور و مراجع می‌بایست از این نگاه تنها به جهت حل مشکل و مسئله مورد مشاوره بهره برده و خود را متلزم به رعایت موازین شرعی در این خصوص بدانند. قرآن کریم هم مردان و هم زنان را از نگاه‌های ناپاک برحذر می‌داند و خطاب به مردان می‌فرماید: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّونَ أَبْصَارَهُمْ...»؛ به مردان باایمان بگو: دیده [از نامحرم] فرو نهند و پاکدامنی خود را حفظ کنند» (نور، ۳۰). همچنین در این خصوص خطاب به زنان می‌فرماید: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ...» (نور، ۳۱). مفاد آیات قرآن و روایات اهل بیت علیهم‌السلام در مواردی که نگاه به جنس مخالف به واسطه وجود مصلحتی جایز است؛ امر به نگاه عفیفانه می‌نماید. فضای مشاوره در ارتباط با جنس مخالف زمینه‌ساز ارتکاب گناه مشاور و مراجع را فراهم می‌آورد، به همین منظور ضرورت دقت و توجه هر دو طرف مشاوره را دوچندان می‌کند.

۴. «التزام به پوشش مناسب»: یکی از بایسته‌های مهم و اساسی در جلسه مشاوره با جنس مخالف سبک پوشش مشاور و مراجع است. پوشش به عنوان یکی از ابزار تحریک‌کننده و زمینه‌ساز ارتباط ناسالم محسوب می‌شود. بنابراین یکی از مسائل مهم و قابل توجه در جلسه مشاوره دقت مشاور و مراجع در انتخاب نوع پوشش است. از منظر اسلامی بر زن واجب است که در هنگام حضور در جامعه و ارتباط با جنس مخالف، خود را بیوشاند. البته پوشش زن در برابر مردان بیگانه، اختصاص به شریعت اسلام ندارد و در میان برخی از ادیان دیگر چه در گذشته و چه در حال، این امر مطرح بوده و هست.

آنچه به عنوان پوشش برای زنان در اسلام مقرر شده است، بدین معنا نیست که از خانه بیرون نروند، بلکه بدین معناست که زن در معاشرت و ارتباط با مردان بدن خود را بیوشاند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد. در این رابطه خداوند متعال می‌فرماید: «ای پیامبر! به همسران و دخترانت و به زنان مؤمنین بگو که جلباب‌ها (روسری‌های بلند) خود را به خود نزدیک سازند (یا بر خویش فروافکنند) این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد اذیت و آزار قرار نگیرند، بهتر است و خدا آمرزنده و مهربان است» (احزاب، ۵۹-۶۰). بنابراین یکی از نکات بسیار مهم نوع پوشش مشاور و مراجع در مشاوره با جنس مخالف است.

۵. «پرهیز از آرایش»: یکی از بایسته‌های مهم در ارتباط با جلسه مشاوره و تعامل

مراجع و مشاور، پرهیز از آرایش برای هر یک از طرفین مشاوره است. با توجه به تعامل نزدیک مشاور و مراجع چنانچه این موضوع از سوی یکی از طرفین رعایت نشود، می‌تواند زمینه‌ساز انحراف مشاوره از مسیر درست آن شود. دیدگاه اسلام در خصوص آرایش کردن به طور کلی و به خصوص در ارتباط با جنس مخالف دیدگاهی روشن است. آرایش کردن از آن رو که مانند برج جلب توجه می‌کند، در قرآن «تبرج» نامیده شده و زنان از آن نهی شده‌اند: «وَلَا تَبْرَجْنَ تَبْرُجُ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى؛ و همچون دوران جاهلیت نخستین (در میان مردم) ظاهر نشوید» (احزاب، ۳۳). نکته جالب توجه این آیه آن است که تبرج به گونه‌ای با جاهلیت مرتبط شده و این نشانگر آن است که خودنمایی رفتاری جاهلانه است. ممکن است دلیل جاهلانه شمرده شدن این رفتار آن باشد که فرد با جلوه‌گری سعی در مطرح ساختن خود دارد، حال آنکه خودنمایی تنها زمینه را برای سوء استفاده کنندگان فراهم می‌سازد، بدون آنکه نتیجه مطلوبی برای خویش به دنبال داشته باشد. البته خودنمایی از مفهومی وسیع برخوردار بوده و شامل هر رفتار جلب توجه کننده‌ای همچون آرایش چهره و دست‌ها، عطر زدن، پوشیدن کفش و لباس با رنگ یا مدل تحریک برانگیز و امثال آن می‌شود.

۶. «التزام به گفتگوی عقیفانه»: شرط اصلی در برقراری هرگونه رابطه‌ای، مکالمه و گفتگو است، به گونه‌ای که اگر گفتگو تجویز نشود، تقریباً ارتباط، به صورت بی‌معنا و لغو درمی‌آید. همان طور که گذشت از دیدگاه فقهی و متون دینی، صرف گفتگو میان زن و مرد نامحرم ممنوعیتی ندارد؛ اعم از اینکه گفتگو درباره مسائل علمی، سیاسی یا درباره مسائل معمولی، عادی و روزمره باشد؛ لکن گفتگوی جلسه مشاوره با جنس مخالف باید کنترل شده و عقیفانه باشد. یکی از موضوعاتی که می‌تواند به ایجاد گفتگوی عقیفانه کمک کند، پرهیز از شوخی‌های زیاد و بی‌حدومرز است. در ارتباط مشاوره‌ای اصل شوخی کردن و مزاح ابزار مهمی برای ایجاد ارتباط با مراجع است؛ اما بی‌تردید شوخی بی‌حدومرز می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد ارتباط ناسالم را فراهم کند. هشدار برخی از روایات که می‌فرماید: «مَنْ فَآكَةً امْرَأَةً لَا يَمْلِكُهَا حُبْسَ بِكَلِّ كَلِمَةٍ فِي الدُّنْيَا أَلْفَ عَامٍ فِي النَّارِ» بر نهی از شوخی با نامحرم مطلق شوخی را در برنمی‌گیرد؛ لکن اشاره به مواردی دارد که مستوجب سبک شدن حریم‌ها و زمینه‌ساز ارتکاب گناه می‌شود (شیخ صدوق، ۱۴۰۶، ص ۲۸۲). در این خصوص پرهیز از شیوه سخن گفتن همراه با عشوهرگی و تلذذ نیز مسیر تحقق گفتگوی عقیفانه را فراهم می‌سازد. قرآن در بیانی زیبا، در عین احترام به استفاده زن از حق طبیعی خود در سخن گفتن و گفتگو با دیگران، آنان را از «خضوع در قول» نهی کرده و فرموده است: «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ

فَيَطْمَعُ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا؛ به گونه‌ای هوس‌انگیز سخن نگوئید که بیماردلان در شما طمع کنند، و به شیوه‌ای پسندیده سخن بگوئید. (احزاب، ۳۲).

این موضوع یکی از بایسته‌های مهم مشاوره با جنس مخالف است. مشاور و مراجع هر دو باید از هرگونه گفتگوی همراه با تلذذ پرهیز کنند. در این امر مشاور رسالتی مهم‌تر دارد. مشاوره با انواع مختلف مراجعین مواجه می‌شود و اوست می‌تواند با نحو مواجهه درست جلسه مشاوره را به سوی گفتارهای عقیفانه هدایت نماید.

۷. «**اختصار و اکتفا به حد ضرورت**»: مشاور برای رسیدن به اهداف مورد نظر خود در تشخیص و درمان مراجع می‌تواند به هر میزان که نیاز باشد جلسات گفتگو را ادامه دهد؛ اما باید توجه به این نکته را هم همیشه مد نظر داشته باشد که یکی از بایسته مشاوره با جنس مخالف اکتفا کردن به حد ضرورت در تعداد جلسات و محتوای گفتگو است. تأکید روایات آنجا که می‌فرماید: «نَهَى أَنْ تَتَكَلَّمَ الْمَرْأَةُ عِنْدَ غَيْرِ زَوْجِهَا أَوْ غَيْرِ ذِي مَحْرَمٍ مِنْهَا أَكْثَرَ مِنْ خَمْسِ كَلِمَاتٍ مِمَّا لَا بُدَّ لَهَا مِنْهُ» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۶) بر پرهیز زن و مرد نامحرم از طولانی کردن سخن خود، حاکی از آن است که سخن گفتن نقطه لغزش زن و مرد است. ریشه بسیاری از مفاسد و معضلات اجتماعی همچون اختلافات خانوادگی، جدایی همسران و از هم پاشیده شدن خانواده‌ها را می‌توان در همین ارتباطات جستجو کرد. بنابراین، شایسته است ارتباط کلامی زن و مرد نامحرم، به مقدار نیاز و حداقلی و با هدف رفع مشکلات و مسائلی باشد که مقصود از جلسه مشاوره است. آنچه نتیجه این مورد از بایسته‌های مشاوره با جنس مخالف است، مدت و میزان دایر مدار نیاز و ضرورت است. بنابراین مشاور موظف است که فرایند مشاوره خود را با توجه به اصل اکتفا به حد ضرورت در تعداد جلسات، محتوای جلسات و مدت هر جلسه تنظیم نماید.

۸. «**کنترل روابط همدلانه**»: مهارت همدلی، توانایی ورود به دنیای فردی دیگر است. اینکه به وضوح بتوانیم احساسات او در آن لحظه و معنی آن احساسات را درک کنیم و بتوانیم به روشی با او ارتباط برقرار کنیم که او احساس کند درک شده است. ما زمانی همدلی کرده‌ایم که بتوانیم شرایطی را فراهم کنیم که فرد را در یک فضای سالم و غیر تهدیدکننده (غیر داورانه) قرار دهیم تا او بتواند احساسات و افکارش را که برایش اهمیت دارد را ابراز کند (فتحی، عطایی‌راد، ۱۳۸۷، ص ۴۵). مهارت همدلی یکی از ابزارها و روش‌های مهم در یک مشاوره موفق است. بنابراین اصل ایجاد روابط همدلانه هیچ‌گاه مورد نهی نخواهد بود؛ لکن آنچه اهمیت پیدا می‌کند، کنترل روابط همدلانه در ارتباط با جنس مخالف است. ایجاد

روابط همدلانه بسیار عمیق می‌تواند زمینه ایجاد وابستگی شدید بین مراجع و مشاور را فراهم سازد. بنابراین مشاوره با توجه به تخصص خود می‌بایست نسبت به کنترل این‌گونه روابط دقت کند. ایجاد روابط همدلانه تا جایی که در مسیر حل مسئله مورد مشاوره باشد و از سویی سایر بایسته‌های مشاوره با جنس مخالف رعایت شده باشد، اشکالی نخواهد داشت.

### بحث و نتیجه‌گیری

همان‌طور که گذشت امروزه، بیش از هر زمان دیگر، مردم با موضوع مشاوره در حوزه‌های مختلف نظری و کاربردی و در عرصه‌های گوناگون زندگی مادی و معنوی با گرایش‌های متنوع و متعدد رفتاری، شناختی، روانی، تربیتی، تحصیلی، خانوادگی، ازدواج و نظایر آن سر و کار پیدا می‌کنند. همین امر بررسی ابعاد مختلف این مسئله مهم را از منظر اسلامی ضرورتی از گذشته می‌کند. یکی از مسائل مهم مبتلا به که شاید بتوان گفت بیشترین مصداق را در مشاوره‌های امروزی خصوصاً مشاوره‌های روان‌شناختی دارد، مشاوره با جنس مخالف است. این امر اعم از این است که مراجع یا مشاور خانم یا آقا باشد. از منظر اخلاق مشاوره مباحث گسترده‌ای به جهت کنترل فرایند مشاوره مطرح شده است (حسینیان، ۱۳۸۷، ص ۴۵)؛ اما با توجه فرهنگ حاکم بر روان‌شناسی معاصر، موضوع مشاوره با جنس مخالف کمتر مورد توجه قرار گرفته است. پژوهش حاضر با هدف بررسی امکان مشاوره با جنس مخالف و نیز بایسته‌های آن از منظر اسلامی صورت گرفت. نتایج بررسی منابع دینی و نظرات فقها در این موضوع، امکان‌سنجی این‌گونه از مشاوره را از منظر اسلامی تأیید می‌کند. به نظر از میان دو دیدگاه سخت‌گیرانه و سهل‌گیرانه به موضوع جواز مشاوره با جنس مخالف، «نظریه اعتدال» مورد نظر اسلام باشد. به عبارتی دیگر نه چنان سخت‌گیرانه و تنگ‌نظرانه برخورد شود که در نگاه عرف و عقلا به هیچ وجه قابل عمل نباشد و نه چنان سهل‌گیرانه نظر داده شود که باعث پیامدهای ناگوار و منفی گردد.

معیار و میزان، ارتباط درست و سالم با حفظ همه حریم‌هاست. به جهت تحقق شرایط معروف بودن مشاوره با جنس مخالف، التزام به بایسته‌های این‌گونه از مشاوره از منظر اسلامی اهمیت دو چندان پیدا می‌کند. بررسی متون دینی در این خصوص بایسته‌های اساسی و مهمی را گزارش نمود. از این میان بایسته‌هایی همچون «تقوا مداری»، «انتخاب مکان مناسب»، «التزام به نگاه عقیفانه»، «التزام به پوشش مناسب»، «پرهیز از آرایش»، «التزام به گفتگوی عقیفانه»، «اختصار و اکتفا به حد ضرورت»، «کنترل روابط همدلانه»

از جمله مهم‌ترین بایسته مشاوره با جنس مخالف است. توجه و دقت به این بایسته ملاک مجاز بودن و نبودن مشاوره با جنس مخالف است. از منظر اسلامی چنانچه بایدها و نبایدهای ضروری که بدان اشاره شد در مشاوره به جنس مخالف رعایت نشود، در مقام عمل آنچه اتفاق خواهد افتاد خلاف مقصود و هدف از مشاوره خواهد بود و زمینه انحراف مسیر مشاوره فراهم خواهد گردید.

## منابع

### • قرآن کریم.

- آمدی، عبدالواحد بن محمد تمیمی (۱۴۱۰ق)، *غررالحکم و دررالکلم*، تهران: دارالکتب الاسلامی.
- اردشیر کیانی (۱۳۹۱)، *اخلاق حرفه‌ای مشاوران*، چاپ اول، تهران: واری دانش.
- امامی‌راد، احمد و فقیهی، علی‌نقی (۱۳۸۹)، «مقایسه مسائل اخلاقی «رازداری»، «تقوا» و «دوری از هوت پرستی» در مشاوره اسلامی و نظام‌نامه اخلاقی انجمن مشاوره امریکا (ACA)»، *مجله روان‌شناسی و دین*، مؤسسه امام خمینی، سال سوم، شماره ۴.
- حرانی، ابن شعبه (۱۳۸۲)، *تحف العقول عن آل الرسول ﷺ*، قم: آل علی علیه السلام.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، *وسائل الشیعه*، قم: مؤسسه آل‌البتت علیه السلام.
- حسینیان، سیمین (۱۳۸۷)، *اخلاق در مشاوره و روان‌شناسی*، تهران: کمال تربیت.
- حکیم، سید محسن (۱۳۹۱ق)، *مستمسک العروه الوثقی*، چاپ چهارم، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت: دارالقلم.
- رحمانی‌منشادی، مهدی و کارگران بافقی، احسان (۱۳۹۸)، «مسئولیت مدنی ناشی از خطا در مشاوره علمای مذهبی»، *مجله علم و کالت*، *نشرکانون وکلای دادگستری آذربایجان شرقی*، سال دوم، شماره ۱، ص ۸۷-۱۰۶.
- رهنمایی، سید احمد (۱۳۸۸)، *آشنایی با اصول و فنون مشاوره*، قم: مؤسسه امام خمینی علیه السلام.
- سیدرضی، محمدبن حسین (۱۳۸۶)، *نهج البلاغه*، ترجمه حسین انصاریان، تهران: پیام آزادی.
- شریف‌الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق)، *نهج البلاغه*، مصحح فیض الاسلام، چاپ اول، قم: هجرت.
- شیخ صدوق (۱۴۰۶ق)، *ثواب الأعمال و عقاب الأعمال*، قم: دار الشریف‌الرضی للنشر.
- شیخ صدوق (۱۴۱۳ق)، *من لا یحضره الفقیه*، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طاهری‌نیا، احمد (۱۳۸۶)، «ارتباط گفتاری زن و مرد نامحرم از دیدگاه کتاب و سنت»، *مجله معرفت*، شماره ۱۲۲.

- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴)، *ترجمه تفسیر المیزان*، ترجمه محمدباقر موسوی، چاپ پنجم، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- فتحی، مهدی و عطائی‌راد، حسن (۱۳۸۷)، *مهارت همدلی*، تهران: شهیدی پور.
- کوری، جerald و کوری (۱۳۹۹)، *نظریه و کاربرد مشاوره و روان‌درمانی*، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران: ارسباران.
- گودرزی، علی محمد (۱۳۸۷)، *اخلاق روان‌شناسی: اصول اخلاقی روان‌شناسان انجمن روان‌شناسی آمریکا*، تهران: رسا.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مجلسی، محمد تقی (۱۴۰۶ق)، *روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه*، محقق و مصحح: سید حسین موسوی کرمانی و علی پناه اشتهازدی، چاپ دوم، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشان پور.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۹)، *مجموعه آثار*، جلد ۱۹، چاپ دوم، تهران: صدرا.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، *الأمالی*، قم: کنگره شیخ مفید.
- وکیلان، منوچهر و کرباسی، منیژه (۱۳۸۶)، *مقدمات راهنمایی و مشاوره*، چاپ دوم، تهران: پیام نور.